

Research Article

A Comparative Study of Bidel Dehlavi's Poems with the Words of Imam Ali (peace be upon him)

Fatemeh Noorian¹, Bahram Parvin^{2*}, Zahra Gerghi²

Abstract

The words of Imam Ali (peace be upon him) have cast a shadow on the poems and writings of many poets and writers, and it can be claimed that it is directly or intertextually evident in their works. In this article, the complete collection of poems by Bidel Dehlavi, one of the famous poets of the Safavid period, who was one of the mystics of his time and had a special devotion to Imam Ali (peace be upon him), was studied and examined in order to determine to what extent his poems Imam's words are consistent. The result of this study is based on the desired topics, which include "Knowing God", "Attributes and knowledge of man", "Paying trust", "Modesty", "Negligence", "Contentment", "Sustenance", "Poverty and the poor", "Greed", "pride", "jealousy" and "silence and silence", it showed that verses of this poet can be considered intertextually influenced by the words of Ali (peace be upon him). For the sake of brevity, it is enough to bring only the verse or verses that are influenced by the words of the Imam (peace be upon him).

Keywords: Imam Ali's speech, Bidel Dehlavi, Comparative literature, Binamanti

How to Cite: Noorian F, Parvin B, Gerghi Z., A Comparative Study of Bidel Dehlavi's Poems with the Words of Imam Ali (peace be upon him), Journal of Comparative Literature Studies, 2024;18(71):87-107.

1. Ph.D. student, Department of Persian Language and Literature, Faculty of Humanities, North Tehran Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran

2. Assistant Professor, Department of Persian Language and Literature, Faculty of Humanities, North Tehran Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran

مقاله پژوهشی

بررسی تطبیقی اشعار بیدل دهلوی با کلام امام علی علیه السلام

فاطمه نوریان^۱، بهرام پروین^۲، زهرا قرقی^۲

چکیده

کلام امام علی - علیه السلام - بر اشعار و نوشته‌های شاعران و نویسندگان بسیاری سایه افکنده است و می‌توان ادعا کرد که در آثار آنها به‌طور مستقیم و یا به‌صورت بینامتنی هویدا است. در این مقاله، مجموعه کامل غزلیات بیدل دهلوی یکی از شاعران معروف دوره صفویه که از عرفای زمان خود بوده و ارادت خاص به امام علی - علیه السلام - داشته است، مطالعه و بررسی شد تا مشخص شود، اشعار وی تا چه حد با کلام امام مطابقت دارد. نتیجه این بررسی بنا بر موضوعات مورد نظر که شامل «شناخت خدا»، «صفات و شناخت انسان»، «ادای امانت»، «حیا»، «غفلت»، «قناعت»، «رزق»، «فقر و فقرا»، «حرص»، «غرور»، «حسد» و «خموشی و سکوت» بود، نشان داد که بیت‌هایی از این شاعر را می‌توان به‌صورت بینامتنی متأثر از سخنان علی - علیه السلام - دانست. برای رعایت اختصار تنها به آوردن بیت یا بیت‌هایی که متأثر از کلام امام - علیه السلام - است، اکتفا شده است.

واژگان کلیدی: کلام امام علی، بیدل دهلوی، ادبیات تطبیقی، بینامتنی

۱. دانشجوی دکترا گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشکده علوم انسانی، واحد تهران شمال، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

۲. استادیار گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشکده علوم انسانی، واحد تهران شمال، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

مقدمه

ادبیات فارسی به‌طور چشمگیری متأثر از کلام علی - علیه‌السلام - است. از این‌رو، تاکنون پژوهش‌های زیادی در زمینه سخنان امام و تأثیر آن بر اشعار شاعران انجام شده است. با توجه به اینکه صفویان شیعه بوده‌اند، انتظار می‌رود که شاعران آن دوره نسبت به شاعران دوره‌های دیگر بیشتر از کلام امام متأثر بوده باشند، ولی پژوهشی جامع در مورد تأثیر اشعار آنان از کلام علی - علیه‌السلام - صورت نگرفته و گزارشی ارائه نشده است. از این‌رو، ضروری بود در مورد تأثیرپذیری اشعار شاعران دوره صفوی، از کلام امام پژوهشی صورت گیرد. بیدل دهلوی نیز از این موضوع مستثنی نبوده است. از وی اشعاری در مدح امام علی به جای مانده که بیانگر علاقه و ارادت وی به امام بوده است. از این‌رو، در مقاله پیش‌رو، غزلیات بیدل دهلوی مطالعه و با روش تحلیلی - توصیفی و با موضوعی کردن اشعار وی به بررسی تطبیقی آنها با کلام امام پرداخته شد. موضوعات مورد بررسی شامل شناخت خدا، صفات انسان، ادای امانت، فقر، حیا، غفلت، قناعت، رزق و حرص بودند. بدیهی است که ارائه این اشعار به‌طور کامل امکان‌پذیر نیست. از این‌رو، تنها به ارائه شاخص‌ترین بیت‌ها اکتفا شده است.

پیشینه پژوهش

پیشینه نظری

ایران از زمان‌های گذشته فرهنگ غنی داشته است که با پیدایش دین مبین اسلام، تحت تأثیر دین و فرهنگ اسلامی نیز به‌گونه‌ای محسوس قرار گرفته است. این تأثیر در آثار بیشتر شعرا و ادبا مشهود است. تأثیرپذیری آثار ادبی از متون دیگر با شیوه‌های متفاوتی صورت می‌گیرد. یکی از این شیوه‌ها، بینامتنی (بینامتنیت) است. این شیوه، بیانگر رابطه و تعامل متن با متون دیگر است. به بیان دیگر، انتقال معنی یا لفظ و یا هر دو از متنی به متن دیگر صورت می‌پذیرد. لازم به ذکر است که این شیوه در گذشته به نام‌های اقتباس، سرقت ادبی، تلمیح، تضمین و... شناخته می‌شد.

این شاخه ادبی در اواخر دهه ۱۹۶۰ میلادی در آثار ژولیا کریستوا در بررسی اندیشه میخائیل باختین، در بحث از «تخیل گفت‌وگویی» او مطرح شد. به‌گونه‌ای که رولان بارت «مرگ مؤلف» را اعلام کرد. از آن پس خواننده با توجه به پیش‌زمینه‌های ذهنی خود، معنایی ویژه را از متن برداشت می‌کرد. این عدم قطعیت معنا به پیدایش رویکرد بینامتنیت منجر شد. (ر.ک: مکاریک، ۱۳۹۰: ۱۷۲)

در بینامتنیت، «متن پنهان»، «متن حاضر» و «روابط بینامتنی»، سه رکن اصلی متن را تشکیل می‌دهند. انتقال لفظ یا معنا از متن پنهان به متن حاضر، مهم‌ترین رکن نظریه بینامتنی در تفسیر متون است. بازآفرینی متن پنهان و حضور آن در متن حاضر، به سه صورت نفی جزئی یا اجترار، نفی متقارن یا امتصاص و نفی کامل یا حوار انجام می‌شود. (ر.ک: نامور مطلق، ۱۳۹۴: ۳۳ - ۱۳۱)

در نفی جزئی، بخشی از متن پنهان، رد و انکار می‌شود. در نفی متقارن، معنای دو متن یکی است؛ ولی از دو دیدگاه به معنایی نزدیک به هم اشاره دارند. در نفی کامل افزون بر انکار متن پنهان، معنا نیز واژگون می‌شود.

پیشینه تجربی

به‌طور کلی می‌توان گفت از سخنان عرفانی، حماسی، اخلاقی، تربیتی، اجتماعی و سیاسی حضرت علی - علیه السلام - در ادبیات فارسی و عربی استفاده شده است. برای مثال، بخش‌هایی از اشعار شاعران بزرگی مانند فردوسی، رودکی، سعدی، حافظ، مولوی، نظامی، ناصر خسرو، عطار و . . . به سخنان امام نسبت داده می‌شود. (ر.ک: جعفری، ۱۳۸۴: ۴ و راثی، ۱۳۸۳: ۱۴۹)

در کتاب «تأثیر نهج البلاغه و کلام امام امیرالمؤمنین علی علیه السلام در شعر فارسی» (راثی، ۱۳۸۳: ۱۴۹)، کلام امام مشتمل بر مضامین عالی انسانی و ارزش‌های بلند معنوی و دریای عرفان و حقیقت معرفی و به تبیین بیت‌هایی از شاعران بزرگ پرداخته شده است.

پژوهشگران دیگری نیز درباره تأثیر سخنان امام علی - علیه السلام - بر اشعار شاعران بزرگ نتایج پژوهش خود را ارائه کرده‌اند. برای مثال، پورهادی اشعار شاعران دوره سامانیان تا صفویه را بررسی کرده است. وی ضمن پرداختن به علل و عوامل تأثیرگذاری کلام امام بر نثر و نظم فارسی، نمونه‌هایی از اشعار و آثار نثر شاعران و نویسندگان فارسی از رودکی تا دوره صفویه را مطالعه کرده است. (پورهادی، ۱۳۹۱: ۲۸۱)

مهدوی نیز به تحلیل تأثیرپذیری شعر معاصر فارسی از نهج البلاغه پرداخته است. وی در این مقاله اشاره به این دارد که با ورود اسلام، روحی تازه در زبان فارسی دمیده شد. به بیان دیگر، قرآن، سخنان پیامبر (ص) و اهل بیت به‌ویژه علی - علیه السلام - را بسیار تأثیرگذار بر نثر و نظم فارسی می‌داند. (مهدوی، ۱۳۹۱: ۲۲۹) حسینی اجداد نیاکی و همکارانش نیز به بازتاب سخنان امام علی در اشعار ناصر خسرو پرداخته‌اند. حسینی در مقاله‌ای با روش توصیفی - تحلیلی، چگونگی تأثیرپذیری ناصر خسرو از سخنان امام را تبیین کرده است. همچنین، خضری با ذکر بیت‌هایی از ناصر خسرو، اشعار وی را نشأت گرفته از کلام امام علی می‌داند. (خضری ۱۳۹۴: ۸۴)

مختاری و محبی اشعار خیام نیشابوری را متأثر از کلام امام علی دانسته‌اند. آنها ضمن اشاره به گزیده‌ای از آثار این شاعران، از دید بینامتنی، آنها را نشأت گرفته از امام - علیه السلام - می‌دانند. (مختاری و محبی، ۱۳۹۱: ۲۵۸)

در پژوهش‌های یادشده، بیشتر آثار شاعران پیش از صفویه بررسی شده است؛ در حالی که ادبیات عصر صفوی به بعد به‌شیوه اغراق‌آمیزی، مضامین دینی مذهب تشیع را در خود می‌گنجانند، لیکن به نسبت دوران پیش از آن تا جامی، ارزش هنری و ادبی بالایی ندارد. برای مثال، می‌توان به مقاله‌ای اشاره کرد که در آن به بیت‌هایی از صائب تبریزی اشاره شده که نشأت گرفته از سخنان امام علی است. (خورانی، ۱۳۸۹: ۲۵)

همچنین، در مقاله‌ای دیگر (حجت، ۱۳۹۰: ۴۷) به بیان آموزه‌هایی اسلامی و عرفانی از دیوان بیدل دهلوی پرداخته شده است.

در پژوهش‌های دیگری، ضمن بررسی آثار شاعران معاصر، نتیجه‌گیری شده است که در بخش‌هایی از اشعار آنان، سخنان امام علی تجلی کرده است. در بین این شاعران می‌توان به پروین اعتصامی (همتی و محمدی، ۱۳۹۱: ۳۱۲) و شهریار (ساحلی زادگان، ۱۳۹۷: ۴) اشاره کرد.

مباحث اصلی

نگاهی کوتاه به مجموعه‌های سخنان امام علی

در سال‌های پایانی قرن چهارم هجری مقارن با حضور آل بویه در بغداد و پیدایش دوباره خردورزی و آزاداندیشی، ابوالحسن محمد الرضی الموسوی، مجموعه‌ای از سخنان امام علی را با عنوان نهج‌البلاغه گردآوری کرد. وی این نام را به دلیل اینکه دربرگیرنده مطالبی است که جویندگان راه بلاغت را به مقصود نزدیک می‌سازد، انتخاب کرده است. هیچ‌یک از خطابه‌ها و سخنان امام با آمادگی قبلی، ارائه نشده‌اند، بلکه متناسب با رویدادهای آن زمان به‌طور ناگهانی بیان شده‌اند. از این رو، شیوه بیان ایشان را می‌توان برگرفته از قرآن، سنت نبوی و استعداد ذاتی دانست. سید رضی در نهج‌البلاغه در برخی از موارد مستند خود را ذکر می‌کند و در مجموع از ۱۵ مأخذ نام می‌برد. (ر.ک: نوریان، ۱۳۹۰: ۹)

اثر دیگری که سخنان امام علی در آن متبلور است، «غررالحکم و دررالکلم» نام دارد. این کتاب توسط عبدالواحد امدی از علمای قرن پنجم هجری گردآوری شده و توسط محمدعلی انصاری ترجمه شده است. حدود شش هزار جمله و حدیث از امام علی در این کتاب آورده شده است.

در مجموعه‌ای دیگر ابیات سروده شده توسط امام علی جمع‌آوری شده است. این اثر که دیوان امام علی - علیه السلام - نام دارد، توسط قطب‌الدین ابوالحسن محمد بن الحسین بن الحسن بیهقی نیشابوری کیدری در قرن ششم هجری گردآوری شده است. این دیوان توسط ابوالقاسم امامی تصحیح و ترجمه و مقدمه و اضافاتی نیز بر آن آورده شده است. لازم به ذکر است که دیوان‌های دیگری نیز منسوب به امام علی نگارش یافته که برای رعایت اختصار در اینجا از پرداختن به آنها خوداری می‌شود.

نگاه کوتاهی به زندگینامه بیدل دهلوی

ابوالمعانی میرزا عبدالقادر بن عبدالخالق ارلاس، تورانی الاصل متخلص به بیدل، و نیز مشهور به نام بیدل دهلوی، شاعر پارسی‌سرای سبک هندی در اواخر قرن یازدهم و اوایل قرن دوازدهم هجری است. وی در سال ۱۰۵۴ هجری قمری در عظیم‌آباد پتنه هندوستان به دنیا آمد و در آنجا رشد کرد و تربیت یافت. در پنج سالگی قرآن آموخت، در اواسط همان سال پدر وی رخت هستی بریست. میرزاقلندر برادر میرزا عبدالخالق بار تربیت و پرورش وی را به دوش گرفت. در شش سالگی از مادر خود حروف الفبا را آموخت. سپس، قرآن را یادگرفت. (ر.ک: بهداروند، ۱۳۹۵: ۱۱) او شاعر پارسی‌گوی است که از ترکان

جغتایی برلاس یا ارلاس بود. وی در جوانی در سال ۱۰۷۹ هجری قمری با سومین پسر اورنگ زیب، یعنی شاهزاده محمد اعظم همدم شد. این شاهزاده از مقام شعری بیدل آگاهی نداشت و منصب لشگری به وی واگذار کرد، ولی زمانی که متوجه قدرت شاعری بیدل شد، از او درخواست مداحی خویش کرد. از این رو، بیدل از او کناره گرفت و به شاه جهان آباد رفت. وی بیشتر عمر خود را در بنگاله گذراند. سپس به سیاحت پرداخت و در سال ۱۰۹۶ هجری قمری در دهلی سکنی گزید و آثار منظوم و منثور خود را ایجاد کرد. سرانجام، در صفر سال «۱۱۳۳ هجری قمری» در سن ۷۹ سالگی در دهلی زندگی را بدرود گفت و در صحن خانه اش، در جایی که خودش وصیت کرده بود، دفن شد. (ر.ک: سبحانی، ۱۳۸۰: ۸۵)

ابوالمعانی میرزا عبدالقادر ابتدا تخلص «رمزی» را داشت و تا مدتی به آن متخلص بود. روزی دیباچه گلستان سعدی را مرور می کرد، چون به این مصراع رسید که «بیدل از بی نشان چه گوید باز»، اهتزاز و رقتش روی داد و از روح پرفتوح سعدی استمداد جست و لفظ «بیدل» را تخلص خود قرار داد. معنی این تخلص آن است که چون دل را خاطر گفته اند، همه خطرات و عوارض از دل به وجود می آید. پس، «دل» نام صفتی است که به سوی خطر رفتن از نتایج اوست. از آنجاکه در نفی، صفت «بی» به کار گرفته می شود، در تخلص اختیار نفی دل که صفتی بیش نیست، آمده و از طرفی «بیدل» عنوانی نیکو برای عاشقان هم است. (ر.ک: بهداروند، ۱۳۹۵: ۸۹)

آثار بیدل به نظم و نثر است. دیوان وی که مجموعه آثار اوست در چهار جلد در سال ۱۳۴۱ هجری شمسی در پوهنی مطبوعه به چاپ رسیده است. جلد اول دربرگیرنده غزلیات؛ جلد دوم شامل ترکیب بندها، ترجیع بندها، قصاید، قطعات و رباعیات؛ جلد سوم به مثنوی های او اختصاص دارد که شامل عرفان، طلسم حیرت، طور معرفت و محیط اعظم و جلد چهارم آثار نثر اوست. آثار نثر او شامل «رقعات»، «چهار عنصر» و «نکات» است. (ر.ک: عبداللهی، ۱۳۹۹: ۵۵)

موضوعات مورد بحث

شناخت خدا

همان طور که حضرت علی در مذمت دنیا تأکید فراوان کرده اند، بیدل هم، در مورد دنیای دنی قلم-فرسایی کرده است؛ لذا در موضوعات انتخاب شده ابتدا به موضوع خداشناسی پرداخته شده است. امام علی در خطبه ۱/۱۸۵ در مورد ستایش خداوند می فرماید: «الدَّالُّ عَلَى قِدْمِهِ بِحُدُوثِ خَلْقِهِ وَ بِحُدُوثِ خَلْقِهِ عَلَى وُجُودِهِ» (با حدوث آفرینش ازلی بودن خود را ثابت کرد و با پیدایش انواع پدیده ها وجود خود را اثبات فرمود) (دشتی و محمدی، ۱۳۸۰: ۱۰۴) این فرمایش امام اشاره بر این دارد که انواع پدیده ها در عالم نشانه کثرت است؛ ولی ثابت می شود که ماهیت همه از یک همانندی برخوردار است. یا به بیان دیگر، نشان از آن دارد که خالق یکتا موجودات را به وجود آورده است. بیدل نیز می گوید:

تا از گل خودروی تو دادند نشان ها

هر سبزه درین دشت شد انگشت شهادت

(بیدل، ۱۳۹۵: ۳۹۳)

هر چیزی که در عالم امکان هست، محکوم به رنگ باختن است. تنها گلی که در عالم رنگش را از دست نداده و دچار شکست رنگ نمی‌شود واجب‌الوجود است که در این بیت گلِ خودروی است. از طرفی، بیدل با اشاره به هر سبزه در این دشت به گونه‌ای تصویربرداری از کثرت پدیده‌ها در دنیا می‌کند که همه آنها شهادت می‌دهند که گلیِ خودروی وجود دارد که نشان از ازلی بودن ذات اقدس خداوند است. در بیت یادشده بیدل خداوند را این‌گونه تشبیه کرده که در تعامل با سخن یادشده از امام می‌توان نتیجه گرفت که بیدل به‌صورت بینامتنی به نحو امتصاص یا متقارن از کلام امام استفاده کرده است. در خطبه ۴/۴۹ امام علیه‌السلام می‌فرماید: «تَعَالَى اللَّهُ عَمَّا يَقُولُهُ الْمُشْبِهُونَ (الْمُشْبِهُونَ) بِهِ وَ الْجَاحِدُونَ لَهُ عُلُوقًا كَبِيرًا» (خدایی که برتر از گفتار تشبیه‌کنندگان و پندار منکران است) (دشتی و محمدی، ۱۳۸۰: ۲۳)

امام خداوند را از گفتار کسانی که او را به خلق تشبیه می‌کنند و کسانی که او را انکار می‌کنند، منزه می‌دانند. به بیان دیگر، امام می‌فرماید که خداوند را نمی‌توان مخلوق تصور کرد و کسانی که خداوند را به مخلوقات تشبیه می‌کنند، در اشتباه هستند. از طرفی، اندیشه انکارورزان را که همان کافران باشند، باطل می‌داند.

بیدل نیز در این باره می‌گوید:

اثرها بنگر اما از تصرف دم مزن بیدل به چون و چند نتوان حکم کردن صنع بی چون را

(بیدل، ۱۳۹۵: ۳۲۱)

بیدل می‌گوید به آثار وجود خداوند که همان مخلوقات هستند بنگر، ولی فکر نکن که با دیدن آثار او به ذات خداوند پی برده‌ای، چون اگر این‌گونه تصور کنی خدا را در حد ذهن خود محدود کرده‌ای؛ در صورتی که خداوند همانندی ندارد و آنچه که در ذهن ما نقش می‌بندد در حد مخلوقات است. بنابراین، می‌توان اذعان کرد که بیدل با این بیت به تبیین سخن امام به‌صورت بینامتنی به نحو جزئی یا نفی اجترار پرداخته است.

حضرت علی در بخشی از خطبه ۱۶۲ درباره شناخت خدا فرموده‌اند که لا یقالُ له: «مَتَّي؟» وَلَا يُضْرَبُ لَهُ أَمَدٌ «بِحَتِّي» (برای او گفته نمی‌شود: در چه زمانی بوده؟ و تعیین نمی‌گردد تا چه زمانی خواهد بود). (فیض‌الاسلام، ۱۳۲۶: ۵۱۱)

برای ذات اقدس خداوند زمان و مکان نمی‌توان قائل شد. قرار دادن خداوند در ظرف‌های مکان و زمان، ذات او را محدود می‌سازد. سخن یادشده از امام نیز بیانگر همین حقیقت است که هیچ بازه زمانی برای خدا نمی‌توان متصور شد و خدا هیچ آغاز و انتهایی ندارد. بیدل هم در این راستا بیت زیر را سروده است:

مه و سال و شب و روزت مجازیت

حقیقت نی زمان دارد نه ساعات

(بیدل، ۱۳۹۵: ۴۳۵)

بیدل می گوید حقیقت که ذات خداوند است، وابستگی به زمان ندارد و برای روشن شدن این موضوع واحدهای اندازه گیری زمان را نام می برد. از این رو، با ذکر ساعت، روز و شب، ماه و سال، اشاره به این نکته دارد که اینها همه برای ما انسان ها است و به گونه ای، زمان مجازی است. او سعی دارد «معقول» را با مثال «محسوس»، تبیین کند. لذا ذات خدا را منزله از وابسته بودن به زمان می داند. در اینجا، بیدل با تلمیح «ذات خدا» و «زمان»، کلام امام را در بیت یادشده با استفاده از بینامتنی صورت اجترار یا نفی جزئی بهره برده است.

صفات و شناخت انسان

«علی - علیه السلام در رابطه با شناخت انسان می فرماید که مَنْ عَرَفَ نَفْسَهُ فَقَدْ عَرَفَ رَبَّهُ (هرکس خود را بشناسد خدای خود را شناخته است.)» (آمدی، ۱۳۳۵: ۶۲۵)

امام می فرماید اول نسبت به خودت شناخت پیدا کن و ببین که چه گوهر کمیابی هستی، تو عالم کبیری و ارزشت از عالم صغیر به مراتب خیلی بیشتر است. بعد از شناخت به فکر شکستن خویشتن خویش باش، که بالاترین مرتبه هاست تا بتوانی گوهر وجودت را شناسایی کنی و بعد از آن پرواز کنی و دیگران را هم، پرواز آموزش دهی تا بتوانند پرواز کنند.

بیدل هم در این راستا ابیات زیر را سروده است که با گذشت و فداکاری می توان جانشین خدا شد و به خدا رسید و عالم کبیر را به طور کامل محقق کرد.

چو آب روان پُر مگذر بی خبر از خود	کز هر چه گذشتی، نگذشتی مگر از خود
در بارگه عشق نه ردی نه قبولی است	ای تحفه کش هیچ تو خود را ببر از خود
چشمی بگشا منشاء پرواز همین است	چون بیضه شکستی دمدت بال و پَر از خود

(بیدل، ۱۳۹۵: ۹۶۷)

- «پُر» ایهام دارد از جوی پر آب و همچنین در اینجا قید است؛ یعنی همه و بسیار. مصراع دوم بیت اول، معنای ایهامی دارد که اگر به معنی عبور کردن باشد، بدین معنی است که از هر چه بگذری و آن را ببینی، بدان که خود را دیده ای و این دیدن های تو اندکی از کُل وجود تو است (پس به هوش باش به خود بنگر و عبرت بگیر). مفهوم دیگر مصراع: تنها گذشتن از خود و خود را در برابر خداوند ناچیز دیدن، می توان اطلاق کرد.

- بارگه عشق، اضافه استعاره است. عشق به پادشاهی تشبیه شده که دارای بارگاه و تخت است. در بارگاه معشوق هم اگر همه وجودت را تقدیم کنی، چه بسا بپذیرد یا نپذیرد.

- منظور از بیضه شکستن در بیت سوم، شکستن تخم و رها شدن جوجه از پوسته آن است. از دید عارفان طلب و اراده مهم است؛ یعنی زمانی که نیروی طلب در دل مرید جان گرفت و قدم در راه نهاد، کافی است. از آن به بعد کشش حق او را به سوی خود می‌کشد. به قول عین القضاة همدانی «اگر مورچه‌ای بخواهد از همدان به کعبه رود نتواند، ولی اگر خود را به بال کیبوتری برساند و در آن جای گیرد کیبوتر او را به کعبه خواهد رساند.» پس وقتی جوجه پوسته تخم را بشکند و سر از تخم درآورد، پر و بالش به خودی خود می‌روید و آماده پرواز می‌شود. و به دوردست‌ها پرواز می‌کند. بیدل در این سه بیت می‌گوید: تو به مانند آب بسیار روان از گذر و گذار خود در حال بی‌خبری عبور مکن. از هر چه بگذری از خودت غافل وار گذر مکن. هر چه از جلوی چشم می‌گذرانی، نشانی از تو دارد و تو غافل از این حقیقت هستی. هر چیز را پشت سراندازی، هیچ است و از خود گذشتن همه چیز است. (ر.ک: سجادی، ۱۳۸۳: ۱۷۲)

باتوجه به مطالب مورد اشاره می‌توان گفت، بیدل در ابیات یادشده از رابطه بینامتنی به نحو امتصاص و یا نفی متقارن از کلام امام بهره برده است.

در دیوان امام علی نیز آمده است:

أَتَرَعَمَ أَتَكَ جِرْمٌ صَغِيرٌ
وَأَنْتَ الْكِتَابُ الْمُبِينُ الَّذِي
وَفِيكَ انطَوَى الْعَالَمُ الْأَكْبَرُ
بِأَحْرَفِهِ يَظْهَرُ الْمُضْمَرُ

(علی علیه السلام، ۱۳۹۱: ۲۳۶)

حضرت علی می‌فرمایند که فکر می‌کنی کالبد ناچیزی هستی، درحالی که عالم کبیر در تو گنجانده شده است. بنابراین آدمی آیینۀ تمام‌نمای جمال و کمال خداوند است. این بی‌توجهی به حقیقت شناخت خود که مقدمه شناخت خداست، او را از حقیقت بازمی‌دارد.

ز نفی ما و من اثبات وحدت کرد آگاهی حبابی چند از خود رفت و بیرون ریخت دریایی

(بیدل، ۱۳۹۵: ۱۶۴۳)

بیدل با اعتقاد در نفی خود و اثبات خداوند و با شیوه بینامتنی و به صورت اجترار یا نفی جزئی می‌گوید: تا حباب در دریا از بین نرود، برای خود وجودی دارد. شکستن حباب یعنی یکی شدن با دریا یعنی نفی خود و اثبات دریا حباب از واژه‌های پربسامد و از بن‌مایه‌های شعر بیدل است. بیدل بارها با حباب مضمون شاعرانه ساخته است که وجه هنری بیت را افزایش می‌دهد. هستی حباب از متزلزل‌ترین و ناپایدارترین هستی - هاست. حباب اگر ذره‌ای دهان باز کند، نیست و نابود می‌شود که این نیستی، موجب کمال حباب شده، مستغرق در دریا می‌شود. این در نگاه عارف یعنی پیوستن به اصل هستی و یکی شدن با اصل خویش.

در خطبه ۱۲/۱۴۷ امام در مورد تسلیم انسان در برابر خدا می‌فرمایند: يَنْبَغِي لِمَنْ عَرَفَ عَظَمَةَ اللَّهِ أَنْ يَتَعَطَّلَ، فَإِنَّ رَفْعَةَ الدِّينِ يَعْلَمُونَ مَا عَظَمْتُهُ أَنْ يَتَوَاضَعُوا لَهُ (آن کس که عظمت خدا را می‌شناسد سزاوار

نیست خود را بزرگ جلوه دهد، پس بلندی ارزش کسانی که بزرگی پروردگار را می‌دانند، در این است که برابر فرمانش تسلیم باشند). (ر. کدشتی و محمدی، ۱۳۸۰: ۷۵)

ابیات زیر را از بیدل را می‌توان به صورت بینامتنی و نفی کامل یا حوار الهام گرفته از کلام یادشده امام دانست:

نبری گمان که مفتی به خدا رسیده باشی	تو ز خود نرفته بیرون به کجا رسیده باشی
سرت ار به چرخ ساید نخوری فریب عزت	که همان کف غباری به هوا رسیده باشی
به هوای خودسری ها نروی ز ره که چون شمع	سرناز تا ببالد ته پا رسیده باشی

(بیدل، ۱۳۹۵: ۱۵۹۰)

بیت اول، مصراع دوم به صورت استفهام انکاری است، یعنی به هیچ جا نرسیده‌ای. به بیان دیگر، مقام و جایگاه دنیایی فریبت ندهد. زیرا انسان به این دنیا آمده تا گوهر وجودش را تابان کند و انسان کامل شده، برگردد. بیدل می‌گوید وقتی انسان به یار، فکر می‌کند، در حقیقت از خود رها شده، به جایی می‌رسد که می‌تواند از پیامبر - صلی الله علیه و آله - پیروی کند و در نهایت آیینۀ حق می‌شود. شمس تبریزی می‌گوید: حضرت محمد (ص) به معراج رفت و متابعت از او آن است که تو نیز به معراج روی، یعنی از خودت خروج کنی و سپس آیینۀ حق شوی.

همچنین، در ابیات زیر نیز بیدل می‌گوید:

نه تَرُئمی نه وجدی نه تپیدنی نه جوشی	به خُم سپهر تا کی می نارسیده باشی
نگه جهان نوردی، قدمی ز خود برون آی	که ز خویش اگر گذشتی همه جا رسیده باشی
ز شکست رنگ هستی اثر تو بیدل این بس	که به گوش امتیازی چو صدا رسیده باشی

(همان: ۱۵۹۰)

در بیت دوم بیدل می‌گوید تو مشتکی خاک هستی و اگر رهایت کرده‌اند و یکی دو روزی به مقام و پستی رسیدی، تصور نکن چیزی شده‌ای بلکه تو و موقعیتی که الان به دست آورده‌ای مانند غباری است که به هوا بلند شده، به سر جایش بر می‌گردد. زمانی که بمیری و خاک شوی جزء زمین می‌شوی.

در غزلیات بیدل گذشتن از خود و تأویل و تمثیل‌های مکرر به شکل‌های تازه و آفرینش تصاویر جدید به کار رفته است. لازم به ذکر است که تسلیم بودن بیدل در برابر اراده خداوند است نه در مقابل ستمگری و نابسامانی اجتماعی، زیرا عجز (در برابر خدا) در عالم هستی برای انسان مایه رشد و نمو انسان است! همان - طور که عجز برای دانه زمانی که به خاک می‌افتد، باعث شکافتن پوسته و سبز شدن و قد افراشتن می‌شود.

(ر. ک: حسینی، ۱۳۹۶: ۱۱۵)

بیدل می‌گوید: یافتن امتیاز و رسیدن به برتری از دیگران کار آسانی نیست باید بسوزی و داغ شوی و با همین داغ، خالی بر چهره هستی بگذاری تا نسبت به دیگران تفاوت و امتیاز به دست آوری. شکست رنگ ما عملاً اثبات نور را می‌کند و نشانه این است که فقط با خورشید می‌توان زندگی کرد وگرنه هیچ چیز بدون او وجود خارجی ندارد.

خودشناسی عرض جوهر یکتایی نیست

بیدل اینها همه خویشند که نشناخته‌اند

(بیدل، ۱۳۹۵: ۱۷۰)

بنابراین، بیدل معتقد است اگر انسان تسلیم محض در برابر اراده خداوند باشد، با به خاک افتادن، یعنی با سجده و تواضع به مقامات دسترسی پیدا می‌کند. حضرت علی نیز در خطبه یادشده فرمودند: اگر انسان عظمت خداوند را بشناسد سزاوار است که در مقابل این عظمت کرنش کند. این کرنش جز سجده و تواضع و به خاک افتادن و خود را ندیدن چیز دیگری نیست، مگر ایجاد حرکت در انسان به سوی متعالی شدن، نه متوقف شدن.

ادای امانت

امام علی در خطبه ۱۰/۱۹۹ درباره ادای امانت می‌فرماید: ثُمَّ أَدَاءُ الْأَمَانَةِ، فَقَدْ خَابَ مَنْ لَيْسَ مِنْ أَهْلِهَا إِنَّهَا عُرِضَتْ عَلَى السَّمَاوَاتِ الْمَبْنِيَّةِ وَالْأَرْضِينَ الْمَدْحُورَةَ، وَالْجِبَالِ ذَاتِ الطُّوْلِ الْمَنْصُوبَةِ، فَلَا أَطْوَلَ وَلَا أَعْرَضَ، وَلَا أَعْلَى وَلَا أَعْظَمَ مِنْهَا. وَلَوْ امْتَنَعَ شَيْءٌ بِطَوْلٍ أَوْ عَرَضٍ أَوْ قُوَّةٍ أَوْ عِزٍّ لَأَمْتَنَعَ؛ وَلَكِنْ أَشْفَقَ مِنَ الْعُقُوبَةِ، وَعَقَلَنَ مَا جَهَلَ مَنْ هُوَ أضعَفُ مِنْهُنَّ، وَهُوَ الْإِنْسَانُ، «إِنَّهُ كَانَ ظَلُومًا جَهُولًا» (یکی دیگر از وظائف الهی، ادای امانت است، آن کس که امانت‌ها را نپردازد، زیانکار است. امانت الهی را بر آسمان‌های افراشته و زمین‌های گسترده و کوه‌های به‌پاداشته، عرضه کردند که از آنها بلندتر، بزرگ‌تر، وسیع‌تر یافت نمی‌شد، ولی نپذیرفتند، اگر بنا بود که چیزی به خاطر طول و عرض و توانمندی و سربلندی از پذیرفتن امانت سرباز زند آنان بودند، ولی از کیفر الهی ترسیدند، و از عواقب تحمل امانت آگاهی داشتند، ولی انسان ناتوان‌تر از آنها که آگاهی نداشت، پذیرفت. «همانا انسان ستمکار نادان است» (ر.ک: دشتی و محمدی، ۱۳۸۰: ۱۲۶) بیت‌های زیر از بیدل را می‌توان به این سخن امام نسبت داد:

ای دعوی علم و عمل افسون حجابت	گرد تب و تاب نفس است این چه علوم است
از عاریت هر چه بود، عار گزینید	مسرور امانات جهول است و ظلوم است
بیدل تو جنونی کن و زین ورطه به در زن	عالم همه زندانی تقلید و رسوم است

(بیدل، ۱۳۹۵: ۴۹۹)

می‌توان گفت، در این ابیات بیدل به صورت بینامتنی و نفی موازی (امتصاص) از کلام امام استفاده کرده است. به این نحو که معنای مقطعی متن همان است، ولی در معنی متن جدید مقداری تغییر و تنوع به کار

رفته، ولی تغییر اساسی ایجاد نشده است. همچنین، این ابیات اشاره دارد به بار امانتی که انسان آن را پذیرفت، درحالی که بقیه موجودات سرباز زدند. چون او ظلوم و جهول بود.

حیا

از سخنان امام علی در مورد حیا در حکمت ۲۱۴ است که می‌فرمایند: مَنْ كَسَاهُ الْحَيَاءُ ثَوْبَهُ لَمْ يَرِ النَّاسُ عَيْبَهُ (هرکه حیا و شرم پیشه گرفت، مردم زشتی او را نخواهند دید) (دشتی و محمدی، ۱۳۸۰: ۲۰۷). بیت زیر از بیدل را می‌توان نشأت گرفته از این سخن امام دانست.

کسی که نیک و بد هوشیار و مست بیوشد
خدا عیوب وی از چشم هرکه هست بیوشد
(بیدل، ۱۳۹۵: ۸۴۴)

در این بیت، بیدل نیز می‌گوید کسی که کارهای نیک و بد هوشیار و مست را بیوشاند، خداوند هم عیب‌های او را می‌پوشاند. از این رو، می‌توان گفت این بیت بیدل با شیوه اقتباس حلّ و تحلیل از کلام امام تأثیرپذیرفته است. همچنین، بیت زیر از بیدل را نیز می‌توان به این سخن امام نسبت داد:

تماشا نیست کم، چشم هوس گر شرمناک افتد
حیا آینه گل های سیراب است شبنم را
(بیدل، ۱۳۹۵: ۳۱۴)

شبنم از کلماتی است که در دیوان بیدل بسامد بالایی دارد و استعاره از متغیر شدن انسان است. شبنم سبک و زلال که تعلق اش کم است، می‌آید تا بر اثر شعاع گرمابخش خورشید، جذب او شود. پس خورشید استعاره از خدا و شبنم هم استعاره از انسان است. آینه هم اختیاری از خود ندارد و فقط جمال و تمثالی که در مقابلش قرار می‌گیرد را نشان می‌دهد.

بر ما خطا گرفتن از کیش شرم دور است
کس عیب کس نبیند تا بی حیا نباشد
(بیدل، ۱۳۹۵: ۸۰۲)

در محفلی که احباب چون و چرا فروشد
مگشا زبان که شاید آنجا حیا نباشد
(همان: ۸۰۳)

جز حیا نمی‌باشد جوهر گرم بیدل
هرچه ریزشی دارد سرفکنده می‌ریزد
(همان: ۷۹۰)

حیا ز کف نهد دامن ادب بیدل
گرفتن گهر از مشت آب دشوار است

(همان: ۴۶۲)

در ابیات بالا بیدل به نحو امتصاص با شیول بینامتنی از کلام امام استفاده کرده تا حیا را تبیین کند. اگر حیا مانع چشم هوسناک انسان نباشد، همه چیز را آشکار می‌کند. آئینه هم در پوشاندن عیب‌ها از خود اختیاری ندارد.

توجه به عیب خویش، موجب افزایش شرم و حیا و عدم توجه به عیب دیگران می‌شود. در نتیجه به جای اینکه آئینه دیگران شود، آئینل خود خواهد شد. به بیان دیگر، حفظ حیا، مانند عرق دریا، چیزی است که هر چقدر هم سعی در فرار از آن داشته باشیم، باز هم در ما باقی می‌ماند و گریزی از آن نیست.

غفلت

حضرت علی در خطبه ۱/۱۷۵ درباره غفلت فرموده‌اند: *أَيُّهَا النَّاسُ غَيْرِ الْمَغْفُولِ عَنْهُمْ، وَ التَّارِكُونَ الْمَأْخُودُ مِنْهُمْ* (ای بی‌خبران آنی مورد غفلت نیستید و ای ترک‌کنندگان فرمان الهی از تمام کارهایتان بازخواست می‌شوید) (دشتی و محمدی، ۱۳۸۰: ۹۵)

بیدل هم درباره غفلت چنین می‌گوید:

غفلت نشو و نمایت صرفه جمعیت است تخم این مزرع به جای ریشه آفت می‌کشد

(بیدل، ۱۳۹۵: ۸۳۲)

غفلت از عاقبت عقوبت زاست سیلی انجام بیخبر ز قفاست

(همان: ۴۶۸)

بیدل از روابط بینامتنی بهره برده و می‌توان گفت، در این ابیات بیدل با روابط بینامتنی و به صورت نفی موازی (امتصاص) از کلام امام بهره برده است، به طوری که معنای مقطعی متن همان است، ولی در معنی متن جدید مقداری تغییر و تنوع و نوع آوری به کار برده شده، ولی تغییر اساسی ایجاد نشده و سعی کرده است کلام غایب (سخن امام) را روشن‌تر به مخاطب منتقل کند. همچنین، این ابیات تلمیحی دارد به قیامت و جزای آن روز برای شخص غافل وابسته به دنیا.

قناعت

امام علی در مورد قناعت بسیار سخن گفته‌اند. برای مثال، در حکمت ۲۲۹، فرموده‌اند که *كَفَى بِالْقَنَاعَةِ مُلْكًا* (با قناعت می‌توان پادشاهی کرد) (دشتی و محمدی، ۱۳۸۰: ۲۰۷)

بیشتر غزل‌های بیدل در مورد قناعت، توجه به باطن است. او بارها تأکید کرده است که اگر به قناعت برسی، «فقر»، «غنا» می‌شود. وی در اینجا با نفی جزئی (اجترار) از این کلام امام به صورت بینامتنی در ابیات زیر با تلمیح به زندگی خاقان و قیصر که با همه ثروت‌شان زیر خاک رفتند استفاده کرده است. از طرفی

اگر زندگی قیصرها و خاقان‌ها را با افراد قناعت‌پیشه مقایسه کنیم، متوجه می‌شویم که زندگی این افراد به مراتب آسان و با آرامش‌تری از زندگی خاقان‌ها و قیصرها و... می‌گذرد.

شکوهی که دارد جهان قناعت به خاقان و قیصر نباشد نباشد

(بیدل، ۱۳۹۵: ۸۰۳)

محتاج کریمان نشود مفلس قانع سر چشمه آیین ز بحر آب نگیرد

(همان: ۷۷۴)

رزق

همچنین، در خطبه ۱۹/۱۱۴ امام می‌فرماید: قَدْ تَكْفَلُ لَكُمْ بِالرِّزْقِ وَأَمْرُكُمْ بِالْعَمَلِ؛ فَلَا يَكُونَنَّ الْمَضْمُونُ لَكُمْ طَلَبُهُ أَوْلَىٰ بِكُمْ مِنَ الْمَفْرُوضِ عَلَيْكُمْ عَمَلُهُ، مَعَ أَنَّهُ وَاللَّهِ لَقَدْ اعْتَرَضَ الشُّكُّ وَدَخَلَ الْبَيْقِينُ، حَتَّىٰ كَانَتْ أَلَّذِي ضَمِنَ لَكُمْ قَدْ فُرِضَ عَلَيْكُمْ وَكَانَ لَذِي قَدْ فُرِضَ عَلَيْكُمْ قَدْ وُضِعَ عَنْكُمْ (خداوند روزی شما را ضمانت کرده و شما را به کار و کوشش امر فرموده، پس نباید روزی تضمین شده را بر آنچه که واجب شده مقدم دارید، با اینکه به خدا سوگند آن چنان نادانی و شک و یقین به هم آمیخته است که گویا روزی تضمین شده بر شما واجب است و آنچه بر شما واجب کرده اند، برداشتند). (دستی و محمدی، ۱۳۸۰: ۶۰)

بیدل از روابط بینامتنی در این بیت به صورت نفی جزئی (اجترار) بهره برده است.

آن را که نفس مایه جمعیت روزی ست چون مار نباید همه پا کرد شکم را

(بیدل، ۱۳۹۵: ۳۰۸)

تا نفس باقی ست گرد رزق می‌گردیده باش آب چون واماند از رفتار لنگ است آسیا

(همان: ۳۰۸)

فقر و فقرا

در نامه ۵/۲۶ علی - علیه السلام - آمده است: وَبُؤْسَىٰ لِمَنْ حَصَمَهُ عِنْدَ اللَّهِ الْفُقَرَاءُ وَالْمَسَاكِينُ وَالسَّائِلُونَ وَالْمَدْفُوعُونَ، وَ الْغَارْمُونَ وَابْنُ السَّبِيلِ! (وای بر کسی که در پیشگاه خدا، فقرا، مساکین، درخواست کنندگان و آنان که از حقیقت محرومند و بدهکاران، ورشکستگان و در راه ماندگان، دشمن او باشند و از او شکایت کنند). (سیدرضی، ۱۳۸۰: ۱۵۲)

بیدل هم در ابیات زیر به صورت بینامتنی به روش امتصاص می‌گوید: ای ثروتمند از حال اشخاص ندار غافل مباش که خواب راحت تو در گروهی زندگی فقیرانه بی‌بضاعت هاست. توجه به فقر و دستگیری آنها باعث می‌شود که فرد زمینگیر از زمین بلند شود. اگر این کار انجام نشود باید از آه محتاجان ترسید که دودمان انسان منعم را بر باد خواهد داد.

ز حال گوشه‌گیر فقر، ای منعم مشو غافل
 که خواب مخملی در رهن نقش بوریا دارد

دل بینوا به کجا برد غم تنگدستی و مفلسی
 مژده بر هم آورم از حیا که برهنه‌ای به قبا رسد

مگذر ز خاصیت سخا، که سحاب مزرعه‌ی وفا
 به فتادگی شکند عصا که فتاده‌ای به عصا رسد

(بیدل، ۱۳۹۵: ۷۱۲)

(همان: ۷۹۰)

حرص

امام علی در نامه ۱/۴۹ درباره حرص فرموده‌اند: فَإِنَّ الدُّنْيَا مَشَغَلَةٌ عَنِ غَيْرِهَا، وَلَمْ يُصَبِّ صَاحِبُهَا مِنْهَا شَيْئًا إِلَّا فَتَحَتْ لَهُ حِرْصًا عَلَيْهِا، وَ لَهْجًا بِهَا (همانا دنیا انسان را به خود سرگرم و از دیگر چیزها بازمی‌دارد. دنیاپرستان چیزی از دنیا به دست نمی‌آورند، جز آنکه دری از حرص به رویشان گشوده و آتش عشق آنان تندتر می‌شود) (دستی و محمدی، ۱۳۸۰: ۱۷۰)

از آنجاکه بیدل به عرفان و اخلاق توجه خاصی داشته، در اغلب ابیات خود با بهره‌جویی از نکته‌های اخلاقی، دیگران را متنبه می‌کند. از این‌رو در بیت زیر با تصویرسازی از امر معقول به صورت محسوس در مورد حرص می‌گوید:

بر حرص، پشت پا زدم اما چه فایده
 گردی فشانده‌ام که ز دامان تر نرفت

چشم دنیا دار، هر جا می‌گشاید دام حرص
 می‌نهد بر خاک ککشول گدایان پشت دست

(بیدل، ۱۳۹۵: ۶۵۶)

در بیت زیر نیز بیدل می‌گوید وقتی زمینه حرص در انسان رشد کند، انسان را به مرحله جنون می‌کشد که نمی‌تواند از این خصوصیت نجات پیدا کند. رفتار او به جایی منتهی می‌شود که به ککشول خالی فقرا هم رحم نمی‌کند و از آن هم نمی‌گذرد.

(همان: ۵۴۸)

جایی که سعی حرص جنون آفرین دود
 در سنگ نَقَب ریشه چو نقش نگین دود

می‌توان بیت‌های ذکرشده از بیدل را به این سخن امام نسبت داد. وی از روابط بینامتنی به صورت امتصاص بهره برده است.

در بیت زیر نیز بیدل با استفاده از استعاره تلمیحی اشاره به مبارزه با حرص، در داستان زندگی عنقا در کوه قاف می‌کند.

تا حرص آب و دانه به دامت نیفکند

عنقا صفت به قاف قناعت خزیدنست

(همان: ۶۴۲)

در دیوان بیدل عنقا و سیمرغ می تواند همان ذات خداوند باشد، چون شاعر در اشعارش خواهان رسیدن به عنقا و سیمرغ است که جایگاه بلند رفیع در کوه قاف است. همچنین، در بیت زیر بیدل با تلمیح به صورت مصداقی، حرص قارون را بیان می کند. در حالی که همه انسان ها اگر نفس خود را مهار نکنند، قارون هستند. زیرا او در پی زراندوزی و جمع آوری مال بود و فکر می کرد در این دنیا زندگی جاودانه خواهد داشت؛ در حالی که حرص او در جمع آوری زر و کنز، دنیا و آخرتش را بر باد داد.

با لئیمان گر چنین حرص گدا طبعت خوش است

بایدت زیر زمین بردن به قارون احتیاج

(همان: ۶۶۷)

ز سختی های حرص است این که خاک اژدها طینت

فرو برده ست اما هضم نموده ست قارون را

(همان: ۳۲۱)

غرور

امام علی در خطبه ۲۷/۱۹۲ درباره تکبر و غرور می فرماید: *قَالَةَ اللَّهُ فِي كِبْرِ الْحَمِيَّةِ وَفَخْرِ الْجَاهِلِيَّةِ! فَإِنَّهُ... مَنَافِعُ الشَّيْطَانِ... حَتَّى أَعْتَقُوا فِي حَنَادِسِ جَهَالَتِهِ، وَمَهَاوِي ضَلَالَتِهِ، ذُلًّا عَنِ سِيَاقِهِ. سَلَسًا فِي قِيَادِهِ. أَمْرًا تَشَابَهَتْ الْقُلُوبُ فِيهِ، وَتَتَابَعَتْ الْقُرُونُ عَلَيْهِ، وَكَبْرًا تَضَائِقَتِ الصُّدُورُ بِهِ (خدا را! خدا را! از تکبر و خود پسندی، و از تفاخر جاهلی بر حذر باشید، که جایگاه... وسوسه های شیطانی است... و تا آنجا که در تاریکی های جهالت فرورفتند و در پرتگاه هلاکت سقوط کردند، به آسانی به همان جایی که شیطان می - خواست کشانده شدند. کبر و خود پسندی چیزی است که قلب های متکبران را همانند کرده، تا قرن ها به تضاد و خونریزی گذرانند، سینه ها از کینه ها تنگ شد) (سیدرضی، ۱۳۸۰: ۱۱۳)*

بیدل هم در ابیات زیر به صورت بینامتنی گفته اگر خودت را مهمان غرور کنی توسری خواهی خورد. گمان نبری که با لباس می شود به دیگران فخر بفروشی، یادت باشد این لباس به صورت جُل بر پشت چهارپایان است. اگر می خواهی به معرفت و خدا نزدیک شوی باید از غرور و فخر فروشی دست بکشی تا راه نزدیک شود.

کسی مباد هوس میهمان خوان غرور

ز اشتهای سری می خورد قفا گردن

(بیدل، ۱۳۹۵: ۱۴۴۰)

آدمی را بر لباس صوف و اطلس فخر نیست

دیده باشی این قماش اکثر ستوران را جُل است

(همان: ۴۹۰)

عجز بساط اعتبار از مدد غرور چند بنده به خود نمی‌رسد تا به خدا نمی‌رسد

(همان: ۷۹۶)

چون غرور ما و من این دشت پالغزی نداشت تا نفس در لب شکستم راه دل هموار شد

(همان: ۸۲۵)

این جاه و حشم مایه اقبال طرب نیست درد سر تل گشته تجمل شده باشد
گر نخل هوس سرکش انداز ترقی ست در ریشه توفیق تنزل شده باشد

(همان: ۸۱۴)

اوج عزت فروتنی دارد قطره پستی گزید گوهر گشت

(همان: ۶۴۹)

در اینجا بیدل از بینامتنیت به نحو نفی کلی یا حوار می‌گوید: اگر می‌خواهی به عزت و بزرگی برسی با غرور نمی‌شود، بلکه با کوچک دیدن خود و دیگران به حساب آوردن می‌توان محبوب دل دیگران شد و ارزش حقیقی را به دست آورد.

حسد

در حکمت ۲۵۶ نیز در مورد زیان حسد آمده است: **صِحُّهُ الْجَسَدِ مِنْ قَلْبِهِ الْحَسَدِ** (سلامتی تن در دوری از حسادت است) (سید رضی ۱۳۸۰: ۲۰۹)

به خود ستم مکن، ای ظالم حسد بنیاد که هست یک سر پیکان همیشه در دل تیر

(بیدل، ۱۳۹۵: ۱۰۵۶)

بیدل امر معقول را به محسوس که بیماری حسد را به رنج تیر در بدن انسان، نهادینه شده، تشبیه می‌کند تا ملموس‌تر باشد تا انسان از این خصلت زشت که باعث نابودی اش می‌شود، کناره بگیرد.

خموشی و سکوت

امام علی در حکمت ۲۲۴ نیز فرموده‌اند: **بِكَثْرَةِ الصَّمْتِ تَكُونُ الْهَيْبَةُ** (با سکوت بسیار، شکوه انسان بیشتر شود) (سیدرضی، ۱۳۸۰: ۲۰۷)

بیت‌های زیر از بیدل دربارهٔ خموشی نیز در راستای سخن یادشده از امام است.

دلیل عزت موج گهر خموشی بود به سکنه ساخت نفس تا کلام موزون شد

(بیدل، ۱۳۹۵: ۸۴۲)

حُسن خاموشی از زبان عشق دارد ترجمان سرو مینا جلوه را کوکوی قُمری قُلقل است

(همان: ۴۹۰)

پُختگی دیگ سخن را باز می دارد ز جوش تا خاموشی نیست بیدل مُدعا خام است و بس

(همان: ۱۰۷۶)

اسرار سخن جز به خاموشی نتوان یافت مفتاح در گنج معانی ست تأمل

(همان: ۱۱۸۶)

فروغ دل طلبی خامُشی گُزین بیدل که شمع صرفه ندارد به رهگذار نفس
به سوی خویش کشد صید را خاموشی دام سخن ز فیض تأمل شود شکار نفس

(همان: ۱۰۸۰)

در این ابیات بیدل با توجه به اثر خاموشی که چه ثمری را به وجود می آورد و با استفاده از بینامتنیت به نحو نفی موازی یا امتصاص خواسته، سخن امام علی را تبیین کند.

نتیجه گیری

در این پژوهش، با مرور کلّ غزلیات بیدل، حدود ۸۰ موضوع که می تواند نشأت گرفته از سخنان علی - علیه - السلام - باشد، شناسایی شد. از این موضوع ها، ۱۲ موضوع شامل «شناخت خدا»، «صفات و شناخت انسان»، «ادای امانت»، «حیا»، «غفلت»، «قناعت»، «رزق»، «فقر و فقرا»، «حرص»، «غرور»، «حسد» و «خاموشی و سکوت» الهام گرفته از سخنان امام علی تشخیص داده شدند. بیدل با نوآوری ها در سخن و مضمون آفرینی هایش از بقیه شعرا متمایز شده است. وی از سخن امام بیشتر به صورت بینامتنی متأثر بوده است. او با اینکه مذهب تشیع را نداشته، ولی به موجب ارادتی که به امام داشته، به مدح ایشان نیز پرداخته است.

منابع

الف - کتابها

آمدی، عبدالواحد، (۱۳۳۵)، *غرر الحکم و درر الکلم*، ترجمه محمدعلی انصاری، قم: دارالکتاب.
بیدل دهلوی، عبدالقادر، (۱۳۹۵)، *غزلیات بیدل دهلوی*، جلد ۱ و ۲، مصحح اکبر بهداروند، قزوین: انتشارات سایه گستر.
بیهقی نیشابوری کیدری، محمد، (۱۳۹۱)، *دیوان امام علی علیه السلام*، چاپ پنجم، مصحح ابوالقاسم امامی تهران: انتشارات اسوه.

حسینی، سیدحسن، (۱۳۹۶)، *مشق معنی بیدل*، تهران: انتشارات سوره مهر.

دشتی، محمد؛ محمدی، سیدکاظم، (۱۳۸۰)، *معجم المفهرس لالفاظ نهج البلاغه*، قم: انتشارات مشهور. راثی، محسن، (۱۳۸۳)، *تأثیر نهج البلاغه و کلام امام امیرالمؤمنین علی (ع) در شعر فارسی*، چاپ اول، تهران: انتشارات امیرکبیر.

سجادی، سیدعلی محمد، (۱۳۸۳)، *صائب تبریزی و شاعران معروف سبک هندی*، چاپ نهم، تهران: دانشگاه پیام نور.

عبداللهی، بابک، (۱۳۹۹)، *برمدار فهم نایبستا در محتوای تأملات بیدل دهلوی*، اهواز: انتشارات معتبر.

فیض الاسلام، سید علینقی، (۱۳۶۶)، *ترجمه و شرح نهج البلاغه*، جلد ۱ و ۲، تهران: انتشارات آذربادگان.

نامور مطلق، بهمن، (۱۳۹۰)، *درآمدی بر بینامتنیت نظریه‌ها و کاربردها*، چاپ اول، تهران: انتشارات سخن.

مکاریک، ایرناریما، (۱۳۹۸)، *دانشنامه نظریه‌های ادبی*، ترجمه محمد نبوی، محمد؛ مهراں مهاجر، چاپ ششم، تهران: انتشارات آگه.

هاشم‌پور سبحانی، توفیق، (۱۳۸۰)، *تاریخ ادبیات ۳*، چاپ یازدهم، تهران: دانشگاه پیام نور.

ب- مقالات

پورهادی، آتنا، (۱۳۹۱)، «تأثیرپذیری ادب فارسی از نهج البلاغه (از عصر سامانیان تا دوره صفویان)»، در *مجموعه مقالات نخستین همایش ملی نهج البلاغه و ادبیات*، جلد ۳، جمعی از نویسندگان، قم: انتشارات نشرآه.

جعفری، سید محمد مهدی، (۱۳۸۴)، «تأثیر نهج البلاغه بر ادب فارسی»، *نشریه علوم اجتماعی و انسانی دانشگاه شیراز*، شماره ۱، صص ۱۸-۱.

۱۸-۱. ۴۲. ۲۲.

حجت، محمد. ۱۳۹۰. «نمود آموزه‌های عرفانی در اشعار بیدل دهلوی». *فصلنامه علمی پژوهشی زبان و ادب فارسی*. ۳. ۹. ۷۶-۴۷.

حسینی اجدادنیکی، سید اسماعیل؛ رخشنده‌نیا، سیده اکرم؛ بانگ‌آور، سودابه، (۱۳۹۱)، «بینامتنی نهج البلاغه در اشعار حکیم ناصر خسرو»، در *چکیده مجموعه مقالات نخستین همایش ملی نهج البلاغه و ادبیات*. سرویراستار حسن حیدرزاده، قم: انتشارات نشرآه.

خضری، علی، (۱۳۹۴)، «بازتاب نهج البلاغه در شعر ناصر خسرو»، در *مجموعه مقالات همایش حکیم ناصر خسرو قبادیانی*، تهران: انتشارات دانشگاه شهید بهشتی.

خورانی، بهزاد؛ شریفی، غلام‌حسین، (۱۳۸۹)، «صائب تبریزی و هنجارهای اخلاقی: بازنمایی اخلاق در عصر صفویه»، *نشریه مطالعات اخلاق کاربردی*، دوره ۶، شماره ۲۲، صص ۵۱-۲۲.

ساحلی زادگان، آسیه، (۱۳۹۷)، «بررسی تطبیقی تأثیر نهج البلاغه بر اشعار شاعران ایرانی و استاد شهریار»، *فصلنامه اورمزد*، شماره ۴۴، صص ۲۲۰-۱۹۹.

مختاری، قاسم؛ محبی، سحر، (۱۳۹۳)، «بینامتنی قرآن و نهج البلاغه در اشعار خیام نیشابوری و ابوالعلاء معری»، *نشریه پژوهش‌های ادبی-قرآنی*، دوره ۲، شماره ۱ (پیاپی ۵)، صص ۸۰-۶۳.

مهدوی، معصومه، (۱۳۹۱)، «تجلی مفاهیم نهج البلاغه در شعر معاصر فارسی»، در *مجموعه مقالات نخستین همایش ملی نهج البلاغه و ادبیات*، جلد ۴، قم: انتشارات نشرآه.

نوریان، فاطمه، (۱۳۹۱)، «قناعت در نهج البلاغه و بررسی تطبیقی آن با رساله قشریه و مصباح الهدایه و مفتاح الکفایه»، در *مجموعه مقالات نخستین همایش ملی نهج البلاغه و ادبیات*، جلد ۴، جمعی از نویسندگان، قم: انتشارات نشرآه.

- Amedi, Abdul Wahid. 1335, **Qorara-ol-Hekam and Daorar-ol-Kalem**, Translated by Ansari, Mohammad Ali. Qom: Dar-ol-Ketab.
- Bayhaqi Nishabouri Kidari, Mohammad. 2011, **Divan of Imam Ali (peace be upon him)**, 5th ed, Corrected and Translated by Imami, Abu al-Qasim. Tehran: Asoeh.
- Bidel Dehlavi, Abdolqader. 2017, **Ghazaliyat Bidel**, Volumes 1 & 2, By the Efforts of Akbar Behdarvand. Qazvin: Sayegostar Publication.
- Nahj al-Balagha's Encyclopedia of Words.** – Dashti, Mohammad and Mohammadi, Seyyed Kazem. 2001, Qom: Mashhor Publications.
- Faiz Al-Islam, Seyyed Alinaqi. 1326, **Translation and Description of Nahj al-Balagha**. Tehran: Azarbadgan.
- Hashempour Sobhani, Towfiq. 2001, **History of Literature 3**, 11th ed. Tehran: Payame Noor University.
- Hojjat, Mohammad. 2012. "The Manifestation of Mystic Doctrines in Bidel-E- Dehlavi's Poetry". Persian Language and Literature. 3. 9. 7-47.
- Hosseini, Seyyed Hasan. 2017, **Biddle Meaning Lesson**. Tehran: Surah Mehr Publications.
- Hosseini Ajdadniaki, Seyyed Ismail. Rakhshandehnia, Seyedah Akram and Bangavar, Sudabah. 2013, **Intertextuality of Nahj al-Balagha in the Poems of Hakim Nasser Khosrow, in: The Abstracts of the First National Conference on Nahj al-Balagha and Literature**, Chief Editor Heydarzadeh, Hassan. Qom: Nashra.
- Jafari, Seyyed Mohammad Mehdi. 2006. "The Influence of Nahj al-Balagha on Persian Literature". Journal of Social Sciences and Humanities of Shiraz University. 22. 42. 1-18.
- Khazri, Ali. 2015, **Reflection of Nahj al-Balagha in Nasser Khosrow's Poetry. Proceedings of the conference of Hakim Nasser Khosro Qabadiani**, Editor Conference Office. Tehran: Shahi Beheshti University Publications.
- Khurani, Behzad. And Sharifi, Ghulam Husein. 2015. **Saeb Tabrizi and Ethical Norms: Representation of Ethics in the Safavid Era**. Akhlagh. 6. 22. 25-51.
- Mahdavi, Masoumeh. 2012, **Manifestation of Nahj al-Balagha Concepts in Contemporary Persian Poetry, in: Proceedings of First National Conference on Nahj al-Balagha and Litherature**. Qom: Nashra.
- Makarik, Irnarima. 2018, **Encyclopaedia of literary theories**, 6th ed, Prophetic translators Nabavi, Mohammad. and Mohajer, Mehran. Tehran: Aghah.
- Mokhtari, Qasem. And Mohebbi, Sahar. 2014. "Quran and Nahj al-Balagha Intertextual Khayyam's Poetry and Abuk Ala Marry". Literary- Qura'nic Researches. 2. 1. 63-80.
- Namvar Motlagh, Bahman. 2012, **An Introduction to intertextuality (Theories and Applications)**. Tehran: Sokhon Publications.
- Nourian, Fatemeh. 2011, **Contentment in Nahj al-Balagha and its Comparative Study with the Ghoshairiah Dissertation and Misbah al-Hidayeh and Miftah al-Kafayah, in: Proceedings of First National Conference on Nahj al-Balagha and Litherature**. Qom: Nashra.

- Porhadi, Athena. 2011, **Influence of Persian Literature from Nahj al-Balagha (from Samanian era to Safavid period). Proceedings of the First National Conference on Nahj al-Balaghah and Literature**, Vol. 3, A group of authors. Qom: Nashra.
- Rathi, Mohsen. 2004, **The effect of Nahj al-Balagha and the Words of Imam Amirul Momineen Ali (AS) in Persian Poetry**. Tehran: Amir Kabir Publications.
- Saheli Zadegan, Asia. 2017. "A Comparative Study of the Influence of Nahj al-Balaghe on the Poems of Iranian Poets and Shahrariar". Ourmazd Journal. 11.44. 4-25.
- Sajjadi, Seyyed Ali Mohammad. 2004, **Saeb Tabrizi and Other Famous Poets of Indian Style**, 9th Edition. Tehran: Payam-e-Noor University Publications.

COPYRIGHTS

© 2024 by the authors. Licensee Islamic Azad University Jiroft Branch. This article is an open access article distributed under the terms and conditions of the Creative Commons Attribution 4.0 International (CC BY 4.0) (<https://creativecommons.org/licenses/by/4.0/>)

ارجاع: نوریان فاطمه، پروین بهرام، قرقی زهرا، بررسی تطبیقی اشعار بیدل دهلوی با کلام امام علی علیه السلام، فصلنامه ادبیات تطبیقی، دوره ۱۸، شماره ۷۱، تابستان ۱۴۰۳، صفحات ۱۰۷-۸۷.